

## مازیار فلاح پور

دریا به آسمان می‌رود  
و آبی گستره‌ی نفوذ  
میلِ بازگشت  
در زیرِ هیچ پل دریا نیست!  
هیچ پل در بالای دریایی!  
گاهی اگر بررسی  
معنایی مضاعف  
بی زمانِ کشفِ آن  
\*  
پس جهان دو سر دارد  
سری که در آنی  
و سری که سری می‌پروراند  
و پل‌ها مجاز کشف  
پل‌ها کفش‌هایی مجاز  
پل‌ها مجوز عبورند  
عبوری راست  
عبوری آزاد  
بی میلِ بازگشت!  
پل  
ارتفاع معانیست!  
ارتجاعِ حدودیست  
که مقصد می‌اندیشد  
وقتی چشم خیره  
به گستره نامحدود انتها  
و خیره‌سری و خیرگی صفتِ نامحدود  
در آوارِ بلند گستره‌ی آبیِ حدود  
در ابتدای قامتِ ناحدود  
وقتی کفش‌ها را جفت می‌کنی بر پل  
وقتی جفت کفش‌ها را می‌گیری از پل  
و کفش جهان پیش پای کشفِ زندگی  
قضاوتِ قدارتِ جهان  
بر جبرِ نامحتملِ زمان  
زمانِ احتمال

پل  
یعنی عمود به معنای پریدن  
عبور معانی عبور معناها  
پل‌ها عبوری عمودی دارند  
وقتی بر سن عمود می‌شوند  
آغار می‌شوی  
عبور نمایش از عمود می‌گذرد  
در حرکت افق  
تنها خود از خود  
از چیزی نمی‌گذرد  
از آن طرف افق اما  
طی اسم پل می‌کنی  
پلِ وقت  
طی حرکت نامی در افق  
طی جهانی در عمود  
عمود جانی  
تمام کیهانی  
می‌برد جایی دیگر  
لحظه‌ای دیگر  
در راه طی تمام  
نمی‌حرکتی به اندیشه‌ای  
لحظه‌ای تنها رسیدن  
رسیدن دیگر جهانی  
که دیگر جهان را معنی کند  
آن‌جا شاید اسمی!  
شاید لحظه‌ای!  
هنگام راه  
که عمود ابتدا  
راه ثبت تو به انفصال جهان

شاید  
 زمان اقتدار  
 شاید  
 قادر به ژرفنای تقدیر  
 در رسیدن به احتمال معنا  
 در پا در هوایی عبور  
 عبور به مقصد!  
 وقتی می‌گذری در افق  
 چیزی بسته نمی‌شود  
 در افق هیچ چیز بسته نمی‌شود  
 عمود اما می‌گذری  
 می‌بندی در حرکت عمود  
 پرونده‌های راکد معنا  
 پرونده‌های پرش  
 پر از پریدن پرش  
 از تردید و اندوه  
 از نظم و اجبار!  
 در گذر عمود از پل  
 خراب می‌شوند پل‌ها  
 پل‌های تنهای زمان  
 که جهان می‌ایستد تا عبور  
 تا عمود عبور کنی  
 آوار بلند پل  
 هوار بدرقه  
 از «خرابات» جهان  
 پل‌ها معماران اندیشه‌اند  
 در افق  
 که افق غایت رنج است  
 تحمل درد است  
 وقتی هر پل سطح لغزنده‌ی غریبی است  
 معنایی دیگر از جهانی دیگر  
 پایانه‌های درد  
 در مداخل سفر

مداخل صفر  
 در صفر بی‌مرز  
 سفر انتشار  
 تا دیواره‌های نا تصور کیهان  
 چرا دو خشکی  
 باید  
 دو سطح رود  
 دو لبه باید؟!  
 وقتی مقصد تو را منتشر می‌کند  
 بر زمین  
 آب  
 بر آسمان  
 در جایی از کهکشان  
 بر کاغذ  
 بر شکل کاغذی خبری  
 که تو سطح انتشارش می‌شوی  
 بر سطر ناموزون قراردادهای شکلی  
 در معانی زبانی  
 از زبانی به زبانی  
 \*  
 پل‌ها نشانه می‌کنند  
 نشانه می‌گذارند  
 از آبی آغاز  
 تا دهانه‌های دال مدخل  
 نشانه‌ها سراغش می‌شوند  
 و هر سر نامفهوم قراردادی  
 مقصد از نشان می‌گیرد  
 و نشان‌ها  
 نشان نشانه‌ای می‌شوند  
 که تو می‌گیری  
 که تو در ابتدای پل  
 از غایت پل می‌گذری!

sep/8/2010